

سی فصل تحقیق و رموز استنطاق

استنطاق متهم

پس از اینکه شکایت شاکی را خوب استماع نمودید و با رجوع بدلیل عقل صحت و سقم آنرا دریافتید و تحقیقات مقدماتی را انجام دادید اصول و قواء تحقیق را مطابق آنچه گفته شد هنگام استماع دهادت تهود و مشاهدات و معاینات محلی و کشف و ضبط مدارک و آلات جرم همه را بانجام رسانیدید و یقین حاصل شد مضمون مرتکب و مباشر اصلی جرم بوده و آثار موجوده مطابق اصل مطابقت حاصل مشابهت ارتباط کامل با عملش دارد آنگاه خود را مجرب تعقیب و تحقیق او بنمائید.

تحقیقات از متهم دارای چند مرحله است :

طرز اعلام اتهام

اولین نکته حساس و باقرار آوردن متهم طرز اعلام اتهام او است و مرحله است که مقدمه ارتباط و مباحثات شما باشخص او میباشد خیلی در این مرحله با احتیاط و ممانعت و صلابت قدم بردارید و اتهام او را بطریق ذیل اعلام نمائید. اولاً عملش هر چه بوده و تفسیرش هر چه کرده عبارت خیلی ساده و روشن و بدون حشو و زوائد و انتظار تصدیق و قبولی و اظهار جواب مثبت و منفی اعلام کنید یعنی بگوئید شما چنین عملی را انجام داده اید بدون اینکه عبارت را مزوج با آثار تعجب یا استفهام در قیافه خود بنمائید و بدون اینکه متهم خیال کند شما مرددید او این عمل را انجام داده است یا نه. پس از بکار بردن این اصل با نگاه خیره و تندبچشمان او تماشا کنید در این موقع چند حالت در متهم یافت میشود. اگر معصوم و بی تقصیر باشد یقیناً اول قوه که در جواب شما از او بکار میافتد قوه ناطقه اش خواهد بود زیرا احساسات درونی و خاطرات معصوم زمانی که برخلاف واقع چیزی

بشنود در مقام دفاع برمیآید و تنها افزار دفاعیش قوه ناطقه خواهد بود کسی که سابقه از عمل جرم ندارد و اطلاع و تباری و معاوضتی در موضوع بین او و سایرین نمیباشد مسلم است که ذهنش از عبارت ساده که باو اعلام میکنند خالی است و چون قوه تصور و خیالش نقشی از حادثه و واقعه در خود ندارد تأملی در گفتار و پاسخ خود نخواهد داشت و بیدرنک ناطقه اش دفاع مینماید اما اگر عمل واقعه را انجام داده باشد پس از اعلام اتهام بحکم اجبار و طبیعت خیال و تصورش بکار میافتد که چه کرده و چگونه کتمان کند و از طرفی چون در اینمورد تصور و خیال از حادثه سوابق ذهنی دارند فوراً واقعه را در مغز منعکس میکنند و این انعکاس مغزی در تحت اراده و اختیار متهم نیست و لاه محاله ایجاد میگردد ولی فوراً منتقل به محیط خارج نمیشود تا بی بمکتونات درونی قلب مجرم بریم یعنی ارتکازات ذهنی بر ناطقه جاری نمیکردد و ناطقه جواب نمی دهد و واقعه را اقرار نمیشماید و اندکی تأمل و درنگ در گفتار مجرم پیدا میشود اعضاء بدش فوراً تکان میخورند چشم از چشم شما که او را نگاه میکنید بر میدارند و پائین می اندازند دست و پا را حرکت و جنبش آبی میدهند چشم را برهم میگذارند و چند مرتبه تکان رفت و آمد سر را از چپ بر راست که علامت انکار است تولید می نمایند و بعد میگویند بخیر اینطور نیست یعنی قبل از شروع گفتار و انجام وظیفه قوه ناطقه قواء دیگرشان بکار میافتد این جنبشها عبارت از حاصل اصطکاک انعکاس مغزی با قوه ناطقه است دماغ واقعه را منعکس و امر بجزریان بر زبان می دهد ناطقه مجرم حکم بخورداری و امساک از حقیقت گوئی مطالب مینماید.

امر دماغ و نطقه این تکان و جنبش را در اعضاء

تولید مینماید.

از طرف دیگر اغلب پس از وقوع جرم حالت پشیمانی و انفعال زیادی در مجرم تولید میشود و مخصوصاً این شرمساری علانتمش در موقع اعلام اتهام بوسیله مستنطق زبردست تولید میگردد بدین نحو که پس از شنیدن عبارت حاکی تقصیر فوراً خسارش قرمز و اغلب بر پیشانی و دست های او عرق می نشیند و فوراً رنگ قیافه از سرخی برنگ مهتابی مبدل شده بدنش سرد یک تکان سختی بحلقوم او وارد شده علامت خشک شدن دهانش را میرساند تمام این علائم قیافه حکایت میکند که مرکوزات ذهنی او منعکس شده و خیال و تصور پرده واقعه را بقوه حس مشترک که مرکز ادراک اوست داده و بنابر این مسلماً سوابقی از عمل در قواء دماغش موجود است.

البته در جریان این تماشا حتماً ساکت خواهید بود و فقط باو نگاه می کنید و طرز شروع گفتارش را دقت نمائید از کجا آغاز میگردد و ابتدا حرکتی بچشم خود ندهید تا دوباره متهم مجبور بنگاه ثانوی شود. و اغلب در این نگاه ثانوی قضایا حل میشود.

اینست اصول روحی متهم در اولین اعلام اتهام. ولی ناگفته نماند که تشخیص این علائم باید با نظر پیر احتیاط و دقیق شما باشد و روی تصور و خیال خود که این علائم در او پیدا است نباشد بلکه مسلماً قیافه اش این آثار را حکایت نماید و ضمناً دقت نمائید وضیعت مزاج و موقعیت و درجه ترس او تاچه میزان است و اغلب ممکنست این علائم از روی ترس مجازات پیدا شده و ناطقه آنها لکننت گیرد و برای تشخیص ترس طرز درهم شکستن قیافه او را تماشا نمائید اگر ابروها بهم نزدیک و کم فاصله شد و اطراف لب بالا چین و خط بسمت چشم برداشت و موجهای زیادی در اطراف لب بالا و دو ابرو تولید کرد و بچشمانش یک حالت انتماس و در ماندگی داد بدانید اغلب بی تقصیر ولی او را ترس فرا گرفته.

گاهی سهل انگاری اشخاص خیلی زیاد است و با اعلام اتهام مستنطق اهمیتی نداده و ترسیده خود را نمیبازند فوراً جواب مستنطق را با تبسم و لبخند ساده برگذار مینمایند و تکانی بشانه های خویش بسمت بالا می دهند و برای اغفال

مستنطق حرکات تصنیفی بخود می دهند حالت های تعجب و فکر میگیرند که مطالب چیست البته این اصول را در نظر گیرید و بر روی احساسات خود مباحثه را با او تعقیب نمائید.

در هر صورت پس از اعلام اتهام اولین جواب متهم یا مثبت است یا منفی یعنی یا بعمل خود اقرار و یا منکر میشود در صورتیکه انکار نمود فکر کنید سؤال دوم را از کجا شروع نموده و از او جواب بگیرید تا مجاب شود و او را در چه مرحله تحقیق وارد سازید که مضری نداشته باشد بسا تقدم سؤالی بر سؤال دیگر فوراً متهم را با اقرار میآورد و مخصوصاً در صورت انکار متهم مواظب باشید کلمه آثار و علائم و مدارک و اسناد جرم را که بدست آورده اید یکمرتبه بر رخ او نکشید و نفهمد معلومات و اطلاعات شما تا چه میزان است زیرا ممکنست محتاج بتحقیقات عمیق در جلسات متعدد از او شوید و اگر بی کلیه دلائل موجود برد برای رد هر دلیلی شما را وارد سنگلاخ تحقیق میکند باید طوری سؤال و جواب کنید که همیشه او را در عالم مجهولات بگذارید و نفهمد از او چه میخواهید اگر متهم در تویف است و عمل خود را منکر شده در جلسه اول تحقیقات او را خیلی ساده و کوتاه بگیرید و باو مجال دهید زیاد فکر کند و در جلسات بعد که با جلسه اول البته باید فاصله کافی داشته باشد زمینه تحقیق را طوری شروع کنید که وانمود شود در این فاصله کشفیات جدیدی بعمل آمده است و واقعه را حکایت کند مواظب باشید متهم عصبانی نشود زیرا در آنحالت قوه لجاجت و اصرارش قوی میگردد و موفق باخذ اقرار از او نمیشود طرز سؤال و جواب و استنطاق متهم دخالت عمده در اقرار دارد بطور کلی سعی کنید سؤال و جواب خیلی ساده و نزدیک بفهم متهم باشد هر حالتی بخود میگیرد عکس آنحالت را در خود وانمود کنید هر موقع تند شد خونسردی و متانت را نشان دهید در هر مورد که سهل انکار و خونسرد شد قدری بصلابت خود بیافزائید و لهجه تحقیق را رفته رفته شدید سازید و بعضی اینکه شروع بگفتار کرد لهجه تند تحقیق را فرو نشانید و کلام متهم را قطع نکنید بگذارید بگفتگوی خود ادامه دهد و در اطراف اظهاراتش ابتدا تحقیق نمائید و فرض کنید اصلاً چیزی

نگفته و هر طور که برای تحقیق نقشه کشیده اید بسؤال و جواب دیگر خود ادامه دهید و آن جلسه را تمام کنید در جلسه دیگر بطوریکه نفهمد در جوابهای روز اول او مطالعه و در اطرافش تحقیق نمائید اگر اختلاف زیادی در دو جواب دیدید بدانید دروغ میگوید و قطعاً چیزی در میان هست زیرا در این موارد حافظه مطلب دروغ را نمیتواند ضبط نماید و اسرار او فاش میگردد.

اگر متهم بعمل خود اقرار کرد تحقیق را تمام شده تصور نکنید به بینید اقرارش بر روی چه مأخذی است آیا به بی تقصیری خود متکی بوده یا از روی ترس و نجات از چنگال شما؟

در مواردی که یقین دارید متهم عامل و مرتکب جرم است وای بعمل خود اقرار نمی کند و محتاج بکشف و ضبط برکة جرم و آلات و ادوات آن هستید ولی نمی دانید از کجا تحصیل کنید فوراً متهم را از توقیف خارج بیاور و نامود کنید بی تقصیرش تشخیص داده اید و باطمینان از نزد شما مرخص شود بعد در خفا کاملاً مواظب ساعات زندگانی او باشید و همیشه تعقیبش کنید اغلب موفق بکشف و ضبط هر آنچه لازمست خواهید شد.

در جرائم و اعمال فجیع متهم پس از ارتکاب بالباس های عوضی و مبدل در محیط و محل وقوع جرم حاضر میشود یا در اطراف و محلهای مجاور قدم میزند یا اشخاص را برای کسب خبر باطراف میفرستد در این مواقع محل وقوع جرم را خوب تماشا کنید اشخاص متجسس و کنجکار را در آنجا تحت نظر قرار دهید در جرائمی که سنخ عمل زیاد تکرار می شود نحوه و طرز تکرار را در نظر بگیرید و شباهت اعمال تکرار شده را دقت نموده بر طبق آن شباهت با شخص مظنون خود را آمیزش دهید و با لباسهای مبدل بصورت شرکت با او یا معاونت یا فرار از قواء پلیس (صورت های ساختگی) خود را باو نزدیک سازید تا راز های درونی خویش را فاش نماید در صورتی که مرتکب اصلی مخفی شده و هویت و شخصیت او معلوم نیست اغلب در محل وقوع جرم ایجاد ازدحام نمائید قطعاً متهم برای کسب اطلاعات خواهد آمد و بدون

این که بفهمد شما متوجه او هستید حرکاتش را مورد مطالعه قرار دهید و بدون این که او را همانجا دستگیر کنید (زیرا کشف جرم و بدست آوردن برکة جرم دشوار می شود) دنبالش کنید در اغلب جنایات به بینید علت وقوع بر روی بودن مال بوده یا هتک ناموس همان علت را ایجاد نمائید و خود را در معرض حادثه بگذارید تا موفق به شناختن متهم شوید (البته در این موارد باید مسلح باشید) مثلاً قتل های متوالی دیده می شود که پس از وقوع اموال مقتول سرقت می شود فوراً با لباسهای عوضی و همراه برداشتن مقداری اثاثیه و اشیاء قیمتی نمایان خود را در معرض اعمال مجرم بگذارید تا شما حمله کند و او را دستگیر نمائید.

البته ذکر این رموز برای آنست که در کنج مغز شما طرز کشف و اثبات روشن شود و جا گیرد و مثل عصائی است که در سیر نقاط تاریک شما را هدایت مینماید در هر حال وجود قریحه اولین رکن این تردسیها است.

طرز تنظیم صورت مجلس و دفتر تحقیق

معلوم شد در تحقیق و استنتاج علوم و صنایع چه دخالت های عمده دارند و چطور باید از آنها استفاده نمود ولی باید دانست جمع این کشفیات و استفاده هائی که برای کشف حقیقت از مجموعه تحقیق می شود باید در دفتر ثبت و درج گردد و پیوسته بر ثبات آن افزوده شود.

بنابر این هر چه را در نظر میگیرید و نقشه می کشید می گوئید و می شنوید فوراً وارد دفتر تحقیقات خود بنمائید در جرائم مشهود حاصل این گفت و شنود ها باید ممهور بمهر کلا تریها باشد.

برای اینکه اوراق تحقیق را معتبر سازید بامضاء خود و شهرد و اطراف دعوا برسانید و هر چه را در اثر مشاهدات و تحقیق از شهود و متهم و شاکی و تجسس منزل کشف نموده اید بندارید و کلیه آثار و علائم و اسناد و مدارک و تصاویر مختلفه که بدست آورده اید در دفتر تحقیق جمع کنید صورت مجلس ها و راپورتها و تحقیقات را وقت نمائید مقرون بحقیقت بدون شاخ و برگ و در موقع تقریر و تحریر آن فصاحت

وبلاغت را کنار بگذارید. بهمان شیوه که تحقیق را می بینید و می شنوید در دوسیه ثبت کنید.

در هر جا محتاج به توصیف و تعریف حالات مختلف قیافه شاهد و متهم یا وضعیت اشیاء محل آنها حالت و وضعیتشان شکل و هیئتشان جا بجا شدن و نقل و انتقال آنها هستید بفرم عکاسی فتوسل شده تصاویر آنها را بگیریید.

اغلب اتفاق می افتد که در تشکیل دوسیه مستفتین مهارت بخرج نداده و گریه و بیهوشی برده و مطالب را کشف نموده اند ولی طوری آنرا ثبت و تنظیم کرده که در هر صفحه اش محل ایراد هر منسب برای مدافع می گذارند و ممکنست ذهن محاکمه را بر هر دفاعی سمت دیگری منحرف سازند. دقت کنید از این بی اشتدالی ها جلوگیری شود و کاملاً واقعه را مجسم کنید به محل ایراد نماند.

باب سوم

شرائط مستنطقین و بیان ماسلمات مستنطق و مدعی العموم

بدیهی است ساختن ابزار و آلات ظریف و دقیق برای تهیه اشیاء صنعتی کافی نیست بلکه باید هنر پیشگامی که توانانداز هنروری خویش بهره برتند آن ابزار و آلات را به موقع بکار اندازند.

همچنین در فن استنطاق وضع و تأسیس اصول محاکمات و نصوص برجسته استنطاق کافی نبوده و باید اشخاص را تربیت نمود که این نصوص و ابزار قلابی را خوب و بموقع استعمال نمایند پس طرز بکار بردن و استفاده نصوص اصول محاکمات و استنطاق اولین نکته است که شیوه این صنعت را تجلی می دهد و ارتباط کاملی با درجه مهارت و تخصص فنی دارد و هر قدر قضاوت و حسن اصابت نظر و احتمال و حدس بحقیقت واقعه بیشتر باشد گوئیم مستنطق زبردست خواهد بود بنابراین تنها فرا گرفتن اصول علم حقوق و بخاطر سپردن و محفوظ داشتن چند اصل کهنه علم جزا کافی نبوده که ادعا کنیم همه چیز تمام است. بلکه باید با تطبیق اصول علمی با مورد ابتلاء تجارب و آزمودگی یافته و از هوش و قریحه ذاتی استفاده نمود در هر حال در صدر این مجریسن که عهده دار انجام این اصول

و فروغند مدعی عموم و مستنطق می باشند.

وظیفه اصلی مدعی العموم هدایت و دلالت قواء شهر بانی ریکار انداختن و گردش چرخ معما کم جزا است و در هر محکمه جزا کرسی قضائی برای دفاع حقوق اجتماعی و حفظ امنیت کشور و نظارت در اجراء قوانین مطابق عدالت و قانون دارد بر عکس مستنطق را این شیوه نیست تنها عملش آگاهی و اطلاع و واقف شدن بحقایق امور و کشف وقایع است صرفاً عملش تحقیق و در معاکم جزا کرسی قضائی نداشته دلالت و هدایتی را نیز عهده دار نیست. پس حقیقتاً گردونه قانون بدست شخص مدعی العموم که در معیتش مستنطق نیز کماث می نشیند.

همانطور که اشاره شد مستنطق را وظیفه مهمی در کشف حقایق امور است زیرا تنها کسی است که با کتبه روابط اجتماعی انسانی سروکار دارد و دارای کلیه حقوق و اقتدارات قوی است و بر اریکه قوه اجرائیه کشوری تنها کسی است که با ابزار و آلات پرزور قانون داد گستری مینماید.

مستنطق شخصی است که در هر عالمی باید وارد باشد زبان همه را بفهمد تصورات جانی را بیانیدش ناله ستم دیده را اثر باید حق را از باطل بخوبی تشخیص ویی گناه و مقصر را از هم امتیاز دهد جز عدالت و قانون چیزی در او مؤثر نباشد خود را مقتدرتر از هر کس دانسته تا بتواند بر سرش وظیفه خویش را انجام دهد زبان ملی خود را خوب بفهمد و بفهماند با سا کتین کشور خویش در هر حیظه و قطعه بداند چه گوید چه خواهد بعلم روان شناسی و وظایف فیز یولوژی و بسیکولوژی مرا کر دماغ آشنا باشد بفلسفه و خنفت روح و حکمت آفرینش و علم عادت شناسی واقف و خود را بهر قالبی تواند مینا کند و آماده تحقیق شود بکلیه اشکال و حالات و عادات و رسوم و آداب انسانی واقف و آگاه باشد تا بداند هر جا چه باید کرد رچه باید گفت و چه باید خواست و چه باید یافت تصمیم و اراده خود را مهار کنند البته تعجب می کنید چطور در شخص واحد ممکنست این صفات جمع باشد ولی اشتباه نکنید در طبیعت هر مخلوقی جمیع این قواء موجود است منتهی بعضی از این قواء در اثر ممارست و تأثیر محیط

مخصوص گویا هستند و بعضی از این قواء خاموشند بهترین دلپاش اینست که مجاور هر محیطی شوید همان می شوید اگر در عالم موسیقی وارد شوید بهره و هنر کسب می کنید اگر شعر زیاد بخوانید و بشنوید شاعر شده و شعر میگویند در صنایع مستظرفه کار کنید کم کم نکات و رموز را فرا می گیرید با شنیدن صدا های موزون و دلچسب از حنجره خود آنرا تکرار نموده پس می دهید در عالم قدس و تقوی اگر کار کنید زاهد و متقی می گردید در اصول سیاست یا گذارید خود را مرد سیاسی نشان می دهید پس هر چه بخواهید می شوید ولی شرطش اینست که بخواهید و ذوق خود را تربیت نمائید. از همه سرمایه هائی که باید در شما گویا کرد در چیز است یکی عدالت و یکی اصابت و حسن نظر. متعدد ز عدالت اینست که هنگام قضاوت و تعقیب و تحقیق در مرحله معتدلی باشید باحالت کینه و خشم و تعصب کسی را تعقیب نکنید چه شما مالک جان و مال خون و ناهوس مردید و این سرمایه های گران اجتماعی ضبط و ربطش بدست شما تفویض شده و عهده دار حفظ امنیت و آسایش عمومی هستید مجری او امر قانون و عدالتید مانع از پیمان ستمدینان گنبد حافظ مساوات و حقوق طبیعی می بینید خوبشید دریغ است که با تصور و خیال ساده باین حقوق و تکالیف سنگین خود تمسک ننمائید. يك دفتر اختصاصی برای خود ترتیب دهید هر مطلبی

را که تمام و کشف میسازد طرز کشف و نحوه ارتکاب را خلاصه نموده بگذارید که کم مجموعه پربهائی مهیا میشود که مطالعات دقیقی را برای شما در آن ارزاق مهیا میسازد. زبان تجارنی و ادبی و صنعتی و علمی محیط خود را کم کم در یافته و بدان روش تربیت میشود. خلاصه این مجموعه شما بهترین کتاب تعلیم و تربیت استنطاقی را یادگار میگذارد در هر حوزه قضائی که کار میکنید عنایت و رسوم آن محیط را خوب تحت مطالعه قرار دهید و تفاوتبای هر حوزه را با هم از حیث ارتکاب و مدت ارتکاب و طرز اخذ نتیجه با هم بسنجید. بهترین مدرسه و مکتب تربیت مراحل تدریجی عمل است این همه کتابهای نفیس و پر تفصیل و ارزاق سیاهی که ایجاد نظر و حجت عظیمی نموده و مکتب بسیار را بنام کتاب خان اخص کرده چیزی در آنها جز مشاهدات عملی و زندگی روزانه بشری نیست هر چند شده و کرده اند و دیگران نبوده در آنها برای تحریر آمده پس نباید بی جهت عمر و رای کتب آنها ضایع شود باید بعد از فرا گرفتن اصول کلی علوم طبیعی و انسانی عملی تند. بنید مردم را خوب شناخت و اعمالشان را خوب فهمید و چیز دیگری از استنطاقی جز این دو مقصود نموده نیست.

انجام یافت. رضا لطفی